



چادرش‌هایی که معمولاً از جنس گونی آرد است و پلاستیکی و به هم دوخته شده را اینجوری زیر خوسه می‌گیرند و یکی که سبک وزن است و تر و فرز، می‌رود بالا و می‌تکاند. چادر شب‌گرفتن خودش لم دارد و وقت خرما تکاندن مثلاً نباید بالا را نگاه کنی، چرا؟ چون دو دستت بند چادر شب است و ممکن است یک خرما درست بخورد توی عنیبات و حالا گل بیار شترو درست کن.



خرماها را از سبد می‌آورند و پهن می‌کنند روی چادر شب‌های تمیز دیگر و فقط یک لایه خرما باید روی چادر شب باشد، اینجا ظرافت زنانه خیلی مهم است، دقتی بسیار زیاد می‌خواهد که خرما درست و به قاعده ظرف شود. آن دکمه که خرما حتماً باید کنده شده باشد و خرماهای منظم و دقیق در جعبه کنار هم چیده شوند.



کودکی‌ام تقریباً یادم نمی‌آید کسی بچه کوچک داشته باشد و پستانک استفاده کند، مادر بزرگ‌ها یک خرما می‌رسیده سفت را با دقت هسته‌اش را بیرون می‌کشیدند و می‌زدند سر انگشت ظریف بچه‌ها و خرما شیرین و مقوی جایگزین حقی بود برای پستانک لاستیکی بی‌مزه و زشت.



خوسه‌ها اول خرماهایشان سبز زیتونی‌اند، رفته‌رفته سرخ می‌شوند و از سرخی به سمت سیاه‌شدن میل می‌کنند، خرماها از نوک شروع می‌کنند به سیاه‌شدن، هر درختی حدود ده دوازده تا خوسه می‌دهند که خرما دارها با توجه با شناختی که از قوت و توان درخت و کیفیت خرما خوسه دارند بعضی خوسه‌ها را در همین مرحله‌ای که می‌بینید، می‌برند که نخل بتواند تغذیه و آب بیشتری به خوسه‌های قوی‌تر برساند، قطعاً ۱۵۰ کیلو خرما درجه یک و آبدار و قوی بهتر از داشتن ۲۰۰ کیلو خرما ضعیف یا حتی معمولی است، به زحمت کارتن و تکاندن و بسته‌بندی نمی‌آرد.



خوسه در وقت قرمز بودن و اصطلاحاً خرما سرخال را نباید دچار تنش کرد، اگر مشت بزنی توی خوسه یا محکم تکانش بدی یا به هر دلیلی خوسه شوک شود عین زن باردار جوان جنین در بطنش ممکن است معیوب شود، اگر بخواهی یک دانه خرما بکنی و در دهانت بگذاری باید در کمال آرامش باشد که خرما متوجه نشود، وگرنه خوسه اصطلاحاً چیل می‌شود یعنی خرمایش می‌ریزد و آنها هم که بر شاخه می‌مانند یا هسته ندارند یا گرد و بدشکل و قیافه‌اند و مشتری پسند نیستند.



در ایام خرما تکانی زندگی بومی‌ها کلاً به باغ می‌آید، غذا و بچه و مراقبت و استراحت همه‌اش به باغ منتقل می‌شود. با برگ‌های خرما معمولاً آلاچیقی درست می‌کنند و بعد روی برگ‌های خشک آب می‌پاشند، وای به وقتی که نسیمی وزید و بگیرد، فضای آلاچیق یا همان اصطلاحاً کوار از اتاق دارای کولر گازی و اسپیلیت خنک‌تر می‌شود.

سفر به نخلستان‌ها و گزارشی تصویری از فصل برداشت خرما در بزم

ساوه شهره به انار است و بزم به رطبش

این روزها همشهری‌های من فرصت سرخاراندن ندارند. صبح زود می‌زنند بیرون و غروب گاوگم برمی‌گردند. برای یک بزم خیلی زشت است که خرما سالانه‌اش را از جایی بخرد. هر خانه‌ای حداقل به اندازه خوردوخوراک خودش و بچه‌هایش یکی دو تا نخل جلوی خانه‌اش دارد و محصول همان را برداشت می‌کند. این روزها در بزم خرماپزان است. یعنی فصلی که آن قدر داغ است که خرماهای سفت و سرخ، رفته‌رفته نرم می‌شود و می‌پزد. هر خانواده‌ای به نوعی در فصل برداشت محصول با این میوه بهشتی و قرآنی، سر و سری دارد. در این فصل عروسی‌ها و جشن‌ها به شدت کم می‌شود. سفرها تقریباً صفر است و فرصت مهمانی و دیدار و گپ و گفت، کم است. هر تصمیمی که ما معمولاً می‌گوییم ان شاء... در بزم یک‌جمله بعد از خرما هم تهش اضافه می‌شود، مثلاً «بابا! دو چرخه می‌خری؟» و بابا باید بگوید: «ان شاء...» بعد از خرما... در فصل خرما، بومی‌ها نخل‌ها را آب نمی‌دهند، چون خرما پر درخت شل می‌شود و از زمین گیل شده هم نمی‌شود خرما برداشت کرد. خرما خاصیت گندزدایی از خودش را دارد. غشای حاکی‌رنگی که معمولاً روی آن می‌بینید، خاک نیست و لایه‌نازکی از یک بافت پرزی شکل است که ضد میکروب بوده و اگر خرما یا همان غشا را بشویید، خرما در عرض یکی دو روز حتی در یخچال هم ترش می‌شود یا به اصطلاح مزه می‌یازد. هر سال سعی می‌کردم ولو یکی دو روز هم که شده، بروم و در این مراسم شیرین شرکت کنم ولی امسال با شیوع کرونا و منع رفت‌وآمد، نشد. قشنگ این بود که خودم عکاسی می‌کردم و همه چیز دستپخت خودم باشد ولی بر من بیخشد که نشد و از هنر عکاسی همکاران رسانه‌های مختلف استفاده کردم که امیدوارم بر من ببخشایند. حالا بروید یک جای بریزید و برگردید برویم تا خرما بتکانیم که با چای می‌چسبد، راستی! مصرع دوم تیتراژ هم بگوییم: «یار ما نیز به شیرینی مرموز لبش...»

بعد از تکاندن خرماها در یک مرحله به اصطلاح خوب و بد می‌شوند، خشک هاترش‌ها و گنجشک‌خورده‌ها را سوا می‌کنند که به خرما سالم ضربه زنند، یک خرما ترش همه کارتن را ترش می‌کند. این، مرحله اول سوا کردن خرماست. خرما از چادر شب به سبد ریخته می‌شود و می‌رود برای بسته‌بندی.



خرما هم مثل بقیه درختان آفت دارد و گاهی بیمار می‌شود. گرم درخت و موش خرما مهم‌ترین دشمنان این درخت باشکوه‌اند. گاهی به جان درخت می‌افتند و محصول را نابود می‌کنند، گاهی هم بدون این دلایل درخت اصطلاحاً گنوک (دیوانه) می‌شود و قهر می‌کند و محصول درست و درمانی تحویل نمی‌دهد. گاهی یکی دو درخت و خوسه است و خدا نکند همه باغ مبتلا شود. یک سال زحمت باغدار می‌شود خوراک گاو. بسیار می‌شناسم باغدارانی که بر اثر آفت یا دق کرده‌اند یا سگته.



خرما خامیش این است که خوسه‌هایش این جوری نیست که یک هو برسد، اصطلاحاً در چند چین می‌رسند و برای همین برداشت‌اش طول می‌کشد، بعضی وقت‌ها خوسه می‌شکند از سنگینی و وزن گرفتن و باغدار خیلی باید دقت کند که اولویت‌بندی درستی داشته باشد برای چیدن و تکاندن.